



همکاری اقتصادی ایران با کشورهای عضو گروه ۲۰



معاونت بررسی های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



تهیه و تنظیم: محمدرضا ستاری

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

مهر ۱۴۰۲

موضوع این گزارش، الزاماً موضوع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

بهره‌برداری از محتوای این گزارش با ذکر منبع، بلائع است.



فهرست مطالب

.....	خلاصه مدیریتی	۴
.....	نمایی کلی از گروه ۲۰	۵
.....	مهمترین تحولات نشست سران گروه ۲۰ در هند	۵
.....	شاخص های اقتصادی گروه ۲۰	۷
.....	روابط تجاری ایران با کشورهای عضو گروه ۲۰	۹
.....	نتیجه گیری و توصیه سیاستی	۱۱

خلاصه مدیریتی

در مواجهه با رویدادهای بزرگ بین‌المللی مانند نشست سران گروه ۲۰، کلیدی‌ترین سوال این است که جایگاه ایران در چنین رویدادهایی کجاست و چرا کشور ما با دارا بودن ظرفیت‌های فراوان ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و منابع طبیعی، جایگاهی در فهرست ۲۰ اقتصاد نخست جهان ندارد؟ حال آنکه کشورهای همسایه نظیر ترکیه و عربستان در میان اعضای گروه ۲۰ قرار داشته و در فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های جهانی این گروه به ایفای نقش می‌پردازند. حتی طبق تازه‌ترین تحلیل‌ها و مطالعات صورت گرفته، شواهد نشان می‌دهد عربستان سعودی با انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان و پیوندهای عمیق اقتصادی میان قدرت‌های غربی و شرقی در نظر دارد علاوه بر تنوع بخشی به اقتصاد خود، نیم‌نگاهی نیز به عضویت در گروه ۷ در افق ۲۰۳۰ داشته باشد.

در این رابطه در گزارش پیش رو یافته‌های مطالعاتی نشان می‌دهد در شرایطی که اقتصاد جهانی با رکود مواجه بوده و به نظر می‌رسد این وضعیت تا پایان سال آینده میلادی نیز ادامه داشته باشد، علیرغم تمامی واگرایی‌های سیاسی و اقتصادی، کشورهای عضو گروه ۲۰ با توجه به پیوندهایی که از منظر زنجیره تامین و زنجیره ارزش جهانی با یکدیگر دارند، بخش قابل توجهی از تلاش‌های خود را معطوف به عبور کم‌هزینه‌تر از شرایط کنونی اقتصاد جهان کرده‌اند.

علاوه بر این توافق جدید کریدور دریایی-ریلی میان هند، عربستان، امارات و اروپا بیانگر این واقعیت است که ایران با وجود دارا بودن ظرفیت غیر قابل انکار در مسیر کریدوری منطقه‌ای و جهانی از طرح‌های مهم ترانزیتی بین‌المللی، یکی پس از دیگری کنار گذاشته شده است.

در نهایت نگاهی به آمارها و ارقام مراودات تجاری ایران با هر یک از کشورهای گروه ۲۰ نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از بازارهای بین‌المللی ایران طی چند سال اخیر به واسطه مشکلاتی نظیر تحریم‌ها از دست رفته و به طور کلی؛ بهره‌برداری از مزیت نسبی آن دستخوش روندی نزولی شده است.

نمایی کلی از گروه ۲۰

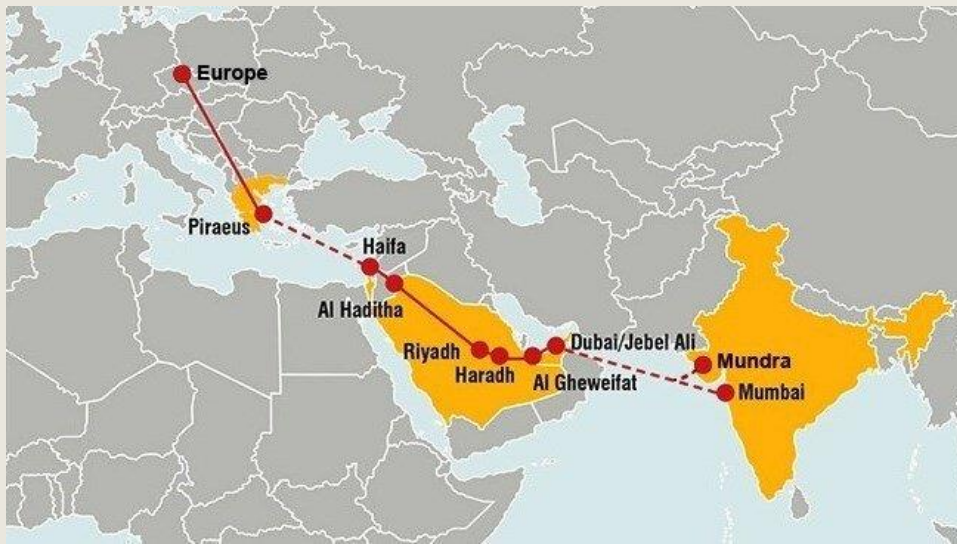
گروه ۲۰ متشکل از ۱۹ اقتصاد بزرگ جهان شامل کشورهای استرالیا، آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، مکزیک، آلمان، هند، عربستان، آرژانتین، برزیل، اندونزی، کانادا، ژاپن، کره جنوبی، روسیه، ترکیه، چین، آفریقای جنوبی و اسپانیا به همراه اتحادیه اروپا، یک بلوک مهم و قدرتمند اقتصادی - سیاسی است که در سال ۱۹۹۹ میلادی و به واسطه تبعات بحران مالی سال ۱۹۹۷ اولین نشست خود را در برلین آلمان برگزار کرد. از آن زمان تاکنون گروه ۲۰ نشست های منظم سالانه خود را در کشورهای مختلف برگزار کرده و علیرغم اینکه گفته می شود، بیشتر یک بلوک اقتصادی است، اما به فراخور تحولات و شرایط بین المللی در موضوعاتی مانند توسعه پایدار، تغییرات آب و هوایی، بحران های جهانی و همچنین مواردی نظیر مبارزه با همه گیری کرونا به ایفای نقش پرداخته است. البته این انتقادات نیز همواره به گروه ۲۰ وارد بوده که بدون در نظر گرفتن مسائل بیش از ۱۷۰ کشور دیگر در مورد فرآیندهای اقتصاد جهانی تصمیم گیری می کند. علاوه بر این از آنجا که هیچگونه رای گیری در سازمان این گروه وجود ندارد، تصمیمات آن نیز طبعاً برای کشورهای عضو غیر الزام آور است. به همین دلیل است که برخی تحلیل گران معتقدند گروه ۲۰ مجموعه ای از اقتصادهای بزرگ است که در میان آنها واگرایی های سیاسی و اقتصادی به طور مشهودی قابل مشاهده است.

مهمترین تحولات نشست سران گروه ۲۰ در هند

آخرین نشست سران این گروه در تاریخ ۱۷ و ۱۸ شهریور ماه ۱۴۰۲ در دهلی نو برگزار شد؛ نشستی که علاوه بر قرار داشتن زیر سایه جنگ اوکراین، تحولاتی مهم و معناداری نیز در آن رقم خورد. نکته اول اینکه به گفته برخی از کارشناسان یکی از برندگان مهم نشست اخیر، کشور میزبان یعنی هند بود. در واقع هند به عنوان یکی از اقتصادهای بزرگ جهان که به سرعت در حال رشد و توسعه است با دو دستور کار مشخص یعنی افزایش وزن دیپلماتیک و بهره برداری از فرصت های اقتصادی میزبانی این نشست را بر عهده گرفت. به همین دلیل است که توانست علیرغم تمامی اختلافات و واگرایی های موجود، بیانیه پایانی این نشست را بدون محکوم کردن روسیه در حمله به اوکراین منتشر کند؛ امری که در نشست قبلی که در اندونزی برگزار شد، یکی از موضوعات مهم اختلافی میان سران کشورهای شرکت کننده در اجلاس جاکارتا بود.

علاوه بر این، طرح جاه طلبانه ریلی-دریایی برای اتصال هند به خاورمیانه و اروپا نیز از جمله دستور کارهای مهم دیگر در نشست اخیر بود. این پروژه به عنوان بخشی از مشارکت برای سرمایه گذاری در زیر ساخت های جهانی در نظر گرفته شده و قرار است با احداث یک کریدور ریلی و کشتیرانی، امکان تجارت بیشتر از جمله تولیدات انرژی میان کشورها را فراهم کند. همچنین طبق گزارشی که خبرگزاری یورونیوز منتشر کرده است، برخی از کارشناسان معتقدند این کریدور می تواند نوعی مقابله جاه طلبانه تر با ابتکار کمربند و جاده چین باشد.

شکل ۱- مسیر کریدور دریایی هند به امارات متحده عربی، عربستان و اروپا



طبق نقشه فوق این کریدور ریلی- دریایی قرار است از بندر بمبئی هند به بندر دومی یا جبل علی امارات و از آنجا با خط آهن به ریاض، الحدیده، حیفا، بندر پیرائوس یونان و سپس بندر هامبورگ آلمان کشیده شود. موضوع قابل توجه در این خصوص برای ایران این است که این کریدور به طور واضح طرح کریدور شمال به جنوب ایران را دور زده و عملاً به عنوان پروژه ای جایگزین مطرح شده است. در همین رابطه، سوال مهم این است که به چه دلیلی ایران علاوه بر کنار گذاشته شدن از پروژه یک جاده- یک کمربند چین در این طرح جدید مسیر نزدیک تر بندر امام به جلفا را نیز از دست داده و علیرغم توافق راهبردی که در بندر چابهار با هند و افغانستان داشته، مزیت ژئوپلیتیکی خود را از دست داده است؟

همچنین مساله مهم دیگر در اجلاس اخیر، پیوستن دائمی اتحادیه آفریقا به گروه ۲۰ بود. در همین راستا، علیرغم اینکه تمرکز بیشتر جهان بر جنگ روسیه در اوکراین است و بسیاری از مسائل، مانند امنیت غذایی و انرژی برای اروپا اهمیت زیادی دارد، شاهد بودیم که در نشست دهلی نو، حمایت قابل توجهی برای پیوستن اتحادیه آفریقا به

گروه ۲۰ صورت گرفت و این اتحادیه پس از اتحادیه اروپا به دومین بلوک منطقه‌ای تبدیل شد که به عضویت دائمی گروه ۲۰ درآمد.

لازم به ذکر است اتحادیه آفریقا شامل ۵۵ کشور عضو و ۹ کشور ناظر است که حدود ۱۷ درصد از جمعیت جهان را تشکیل داده و تولید ناخالص داخلی آن به صورت اسمی برابر با ۳ هزار میلیارد دلار است. این اتحادیه همچنین ۳ درصد از حجم اقتصاد جهانی را به خود اختصاص داده و قاعدتاً پیوستن آن به گروه ۲۰، می‌تواند وزن اقتصادی آن را به میزان قابل توجهی در برابر بلوک‌های اقتصادی دیگر مانند بریکس ارتقاء دهد.

شاخص‌های اقتصادی گروه ۲۰

مطابق برآوردهای صورت گرفته تا پایان سال ۲۰۲۲ از لحاظ اندازه اقتصادی و تولید ناخالص داخلی به ترتیب ایالات متحده آمریکا، چین، اتحادیه اروپا، ژاپن، آلمان، هند، بریتانیا، فرانسه، روسیه و کانادا، ۱۰ اقتصاد برتر این گروه هستند. در همین رابطه، جدول زیر نشان‌دهنده میزان تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز میزان تورم کشورهای گروه ۲۰ است.

جدول ۱- شاخص‌های اقتصادی کشورهای عضو گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۲ (میلیارد دلار، درصد)

کشورها	تولید ناخالص داخلی	رشد اقتصادی	نرخ بیکاری	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی	نرخ تورم
آمریکا	۲۵۴۶۳	۲	۴	۳۶۷	۸
چین	۱۷۹۶۳	۳	۴	۱۸۰	۲
اتحادیه اروپا	۱۴۰۴۱	۳	۷	۱۵۰۰	۸
ژاپن	۴۲۳۱	۱	۳	۲۴۶	۲
آلمان	۴۰۷۲	۲	۳	۳۱۰	۹
هند	۳۳۸۵	۷	۸	۴۴۳	۷
بریتانیا	۳۰۷۱	۴	۴	۲۷۵	۹
فرانسه	۲۷۸۳	۳	۷	۱۴۱	۶
روسیه	۲۲۴۰	-۲	۴	۳۸۲ قبل از جنگ	۱۴
کانادا	۲۱۴۰	۳	۵	۵۶۹	۷
ایتالیا	۲۰۱۰	۴	۸	۸۴	۹
برزیل	۱۹۲۰	۳	۸	۵۰۳	۹

جدول ۱- شاخص های اقتصادی کشورهای عضو گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۲ (میلیارد دلار، درصد)

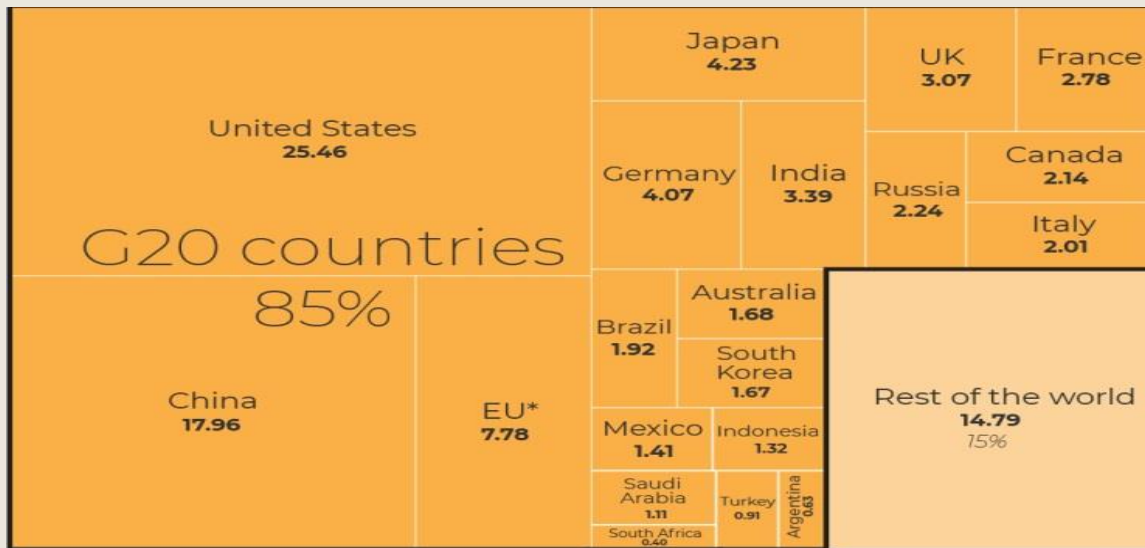
کشورها	تولید ناخالص داخلی	رشد اقتصادی	نرخ بیکاری	سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی	نرخ تورم
استرالیا	۱۶۷۵	۴	۴	۲۵۰	۷
کره جنوبی	۱۶۶۵	۳	۳	۱۶۸	۵
مکزیک	۱۴۱۴	۳	۳	۳۱۶	۸
اسپانیا	۱۳۹۸	۵	۱۳	۹۷	۸
اندونزی	۱۳۱۹	۵	۶	۲۰۰	۴
عربستان سعودی	۱۱۰۸	۹	۵.۱	۱۹۲	۲
ترکیه	۹۰۶	۶	۱۰	۱۲۵	۷۲
آرژانتین	۶۳۳	۵	۷	۶۵	۷۲
آفریقای جنوبی	۴۰۶	۲	۳۴	۹	۷
مجموع	۹۳۸۴۳			۶۴۲۲	

منبع: بانک جهانی و صندوق بین المللی پول

لازم به ذکر است که برخی از آمارهای ارائه شده در جدول فوق مربوط به پایان سال ۲۰۲۲ است. بنابراین ممکن است برخی از این ارقام در سه ماهه اول، دوم و سوم سال جاری میلادی دستخوش تغییراتی شده باشند. به عنوان مثال؛ در مورد چین همزمان با کاهش رشد اقتصادی، شاهد کاهش سرمایه گذاری نیز بوده ایم؛ به طوریکه رشد اقتصادی این کشور در سه ماهه دوم ۲۰۲۳، رقم ۰.۸ درصد بوده و بیکاری جوانان در بازه سنی ۱۶ تا ۲۴ سال به رقم چشمگیر ۲۱.۳ درصد رسیده است. همچنین در شرایطی که دو غول املاک این کشور یعنی کانتری گاردن و اورگراند با بحران ورشکستگی مواجه شده اند، برخی آمارها گویای کاهش محسوس سرمایه گذاری خارجی در این کشور است.

با این حال، مطابق شکل زیر که اخیراً از سوی بانک جهانی منتشر شده، آمارها نشان می دهد که کشورهای گروه ۲۰ حدود ۸۵ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را به خود اختصاص داده و سهم سایر کشورها ۱۴.۷۹ درصد است. علاوه بر این، کشورهای عضو گروه ۲۰ همزمان با اینکه ۷۵ درصد از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده اند، حدود دو سوم جمعیت جهان را نیز در اختیار دارند.

شکل ۲- سهم کشورهای عضو گروه ۲۰ از تولید ناخالص داخلی جهان



منبع: بانک جهانی

البته لازم به ذکر است، شرایط کنونی به واسطه تنش های ژئوپلیتیکی جهان باعث شده تا تجارت جهانی چند پاره شود؛ به طوری که طبق آمار سازمان تجارت جهانی ما امروز شاهد افزایش شدید محدودیت های تجاری یک جانبه و رفتن به سمت سیاست همکاری محدود با کشورهای متحد میان قدرت های جهانی هستیم که سبب شده بعد از همه گیری کووید-۱۹ و آغاز جنگ اوکراین یک حرکت خلاف جهت جهانی شدن و اختلال در زنجیره تامین جهانی را مشاهده کنیم.

روابط تجاری ایران با کشورهای عضو گروه ۲۰

برخی کشورهای عضو گروه ۲۰ مانند روسیه، چین، برزیل، ترکیه و هند از جمله شرکای مهم تجاری ایران محسوب می شوند. با این حال، طی سال های اخیر تشدید تحریم های بین المللی باعث شده بخش قابل ملاحظه ای از روابط تجاری ایران با هر یک از کشورهای گروه ۲۰، دستخوش فرآیندی نزولی شود.

بر اساس جدول ۲، در میان اعضای گروه ۲۰، بیشترین ارزش واردات و صادرات ایران با کشور چین صورت گرفته و تراز تجاری ایران با این کشور منفی ۳ میلیارد دلار برآورد شده است. علاوه بر این، حجم کل صادرات ایران به کشورهای گروه ۲۰ بدون احتساب اتحادیه اروپا، تقریباً ۱۲ میلیارد دلار و واردات از این کشورها نیز رقمی در

حدود ۲۵ میلیارد دلار بوده است. بدین ترتیب، تراز تجاری ایران با کشورهای عضو گروه ۲۰ به منفی ۱۲ میلیارد و ۶۶۲ میلیون دلار می‌رسد.

شایان ذکر است بخش قابل توجهی از کل حجم مبادلات تجاری ایران به کشورهای عضو گروه ۲۰ اختصاص دارد. در سال ۲۰۲۱ و طبق آخرین برآوردهای صورت گرفته، ایران به لحاظ شاخص پیچیدگی اقتصادی (ECI-0.091) رتبه ۶۷ را در جهان به خود اختصاص داده است و حجم صادرات ایران ۰.۱ درصد از کل ارزش صادرات جهان را تشکیل می‌دهد. همچنین مطابق آمار منتشر شده از سوی مرکز تجارت بین‌المللی، ارزش کل صادرات ایران در سال ۲۰۲۲، رقمی معادل ۱۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده و ارزش کل واردات کشور نیز در این سال نیز به ۲۶ میلیارد و ۹۵۸ میلیون دلار رسیده است.

جدول ۲- روابط تجاری ایران با کشورهای عضو گروه ۲۰
(میلیون دلار)

مقاصد / مبادی ایران	صادرات	واردات	تراز تجاری
آمریکا	۱۱	۴۵	-۳۴
چین	۶۳۵۵	۹۴۴۰	-۳۰۸۵
ژاپن	۳۵	۵۰	-۱۵
آلمان	۳۱۵	۱۶۶۵	-۱۳۵۰
هند	۶۵۳	۱۸۳۹	-۱۱۸۶
بریتانیا	۴۳	۷۲	-۲۹
فرانسه	۵۶	۳۳۰	-۲۷۴
روسیه	۵۶۲	۱۵۲۰	-۹۸۵
کانادا	۲۶	۲۸۰	-۲۵۴
ایتالیا	۱۸۰	۶۲۳	-۴۴۳
برزیل	۱۳۹	۴۲۹۶	-۴۱۵۷
استرالیا	۲۵	۶۹	-۴۴
کره جنوبی	۱۱	۱۹۵	-۱۸۴
مکزیک	۱	۰.۰۰۶	+۱
اسپانیا	۱۷۰	۲۴۱	-۷۱
اندونزی	۱۴	۲۴۲	-۲۲۷
عربستان سعودی	۰.۱۰	۰.۲۴۸	-۰.۱۴۸

جدول ۲- روابط تجاری ایران با کشورهای عضو گروه ۲۰
(میلیون دلار)

مقاصد / مبادی ایران	صادرات	واردات	تراز تجاری
ترکیه	۳۳۵۳	۳۰۶۸	+۲۸۵
آرژانتین	۱	۶۲۶	-۶۲۵
آفریقای جنوبی	۴	۱۵	-۱۱
مجموع	۱۱۹۵۴	۲۴۶۱۶	-۱۲۶۶۲

منبع: مرکز تجارت بین المللی
اغلب داده‌ها مربوط به سال ۲۰۲۲ است.

نتیجه گیری و توصیه سیاستی

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد ایران به عنوان پنجمین کشور ثروتمند جهان اکنون ۰.۱ درصد از صادرات جهان را به خود اختصاص داده و در مکان هشتاد و پنجم در رتبه بندی جهانی قرار دارد. در واقع از حجم حدود ۲۷ میلیارد دلاری صادرات ایران ۲۴.۶ میلیارد دلار آن با کشورهای عضو گروه ۲۰ است که در میان آنها شرکای اقتصادی اصلی ایران نظیر چین، روسیه، هند، برزیل و ترکیه قرار دارند. از این رو مناسبات و تصمیم‌گیری‌های گروه ۲۰ از لحاظ اقتصادی بسیار برای ایران حائز اهمیت است.

علاوه بر این، به غیر از ترکیه و مکزیک، تراز تجاری ایران با تمامی اعضای گروه ۲۰ منفی بوده و در مجموع به حدود منفی ۱۳ میلیارد دلار رسیده است. همچنین طبق بررسی‌های صورت گرفته در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱، میزان همکاری‌های اقتصادی میان ایران با اقتصادهای بزرگ گروه ۲۰ به طور قابل توجهی کاهش یافته است. به عنوان مثال در بازه زمانی فوق، میزان صادرات ایران به ژاپن از ۲.۴۴ میلیارد دلار به ۳۷.۵ میلیون دلار رسیده است. یا این میزان در رابطه با آلمان از ۷۷۵ میلیون دلار با کاهشی ۱۰۰ درصدی به ۳۱۵ میلیون دلار رسیده است. این رقم همچنین برای بازارهای صادراتی ایران در بریتانیا از ۵۴۸ میلیون دلار به ۴۳ میلیون دلار و در فرانسه از رقم ۱.۲ میلیارد دلار به ۵۶ میلیون دلار کاهش یافته است. بنابراین آمارها نشان می‌دهد بازارهای صادراتی ایران در طول سال‌های اخیر به خصوص پس از تشدید تحریم‌ها در اروپا و غرب از دست رفته است. در این میان، نکته مهم این است که هر چند یک بازار صادراتی می‌تواند در طول مدت کوتاهی از دست برود، اما احیای آن قاعدتاً نیاز به زمان طولانی و در عین حال هزینه‌های قابل توجهی دارد.

همچنین به نظر می‌رسد با توجه به تداوم موانع تولید، تشدید نیاز به سرمایه در گردش برای صاحبان صنایع، کم‌رنگ شدن دورنمای حصول توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها و ادامه فرآیند قیمت‌گذاری دستوری، دورنمای اقتصادی و عدم پیش‌بینی‌پذیری میان فعالان اقتصادی آهنگ رشد اقتصادی و صنعتی کشور را طی ماه‌های آتی کندتر خواهد کرد.

علاوه بر این، از آنجا که مطابق اعلام معاون وزیر صمت برای رشد اقتصادی و صنعتی نیاز به سالانه ۲۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری وجود دارد، تحریم‌ها و مشکلات نقل و انتقال بانکی در خارج از یکسو و شاخص‌های ضعیف محیط کسب و کار، قوانین و مقررات متناقض و غیر قابل پیش‌بینی بودن اقتصاد ایران در داخل، وضعیت سرمایه‌گذاری را به بی‌سابقه‌ترین سطح ممکن کاهش داده؛ به طوری‌که بر اساس آخرین گزارش سازمان تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)، رتبه سرمایه‌گذاری خارجی ایران از ۴۵ در سال ۱۳۹۶ به ۷۲ در سال ۱۳۹۹ رسیده است. نکته مهم دیگر نیز این است که بدانیم در سال ۱۳۹۹، برای دومین سال پیاپی، نرخ استهلاک از نرخ سرمایه‌گذاری بیشتر شده است؛ موضوعی که حتی در سال‌های جنگ تحمیلی نیز رخ نداده بود. این امر در حالی زنگ خطر را برای بازسازی و نوسازی زیرساخت‌ها و صنایع فرسوده به صدا در آورده که اگر میزان سرمایه‌گذاری ۵ درصد افزایش یابد در سال ۱۴۱۳ و اگر ۱۰ درصد افزایش پیدا کند در سال ۱۴۰۶، تازه به نقطه سال ۱۳۹۰ باز خواهیم گشت.

همچنین لازم به ذکر است با توجه به تفاهم صورت گرفته میان آمریکا و هند و برخی دیگر از کشورها در اجلاس اخیر سران گروه ۲۰ مبنی بر احداث یک کریدور ریلی-دریایی برای اتصال هند به خاورمیانه و اروپا، به نظر می‌رسد همانطور که عنوان شد یک نسخه بدیل و رقیب برای طرح یک جاده یک کمربند چین در حال احداث است. هر چند که چینی‌ها معتقدند که چنین طرح‌هایی در گذشته نیز از سوی آمریکایی‌ها مطرح شده ولی هیچگاه به مرحله اجرا نرسیده است، اما از آنجا که این طرح به غیر از مسیر کریدوری به دنبال ایجاد زیر ساخت‌ها برای انتقال خط لوله انرژی است، به نظر می‌رسد که در صورت اجرایی شدن آن مزیت و موقعیت ترانزیتی ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد. به خصوص اینکه این پروژه بلندپروازنه را می‌توان به قرارداد دریایی سه جانبه میان آمریکا، انگلستان و استرالیا نیز مربوط دانست که از لحاظ ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی در شرایط کنونی جهان از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.

در این رابطه، مساله مهم این است که ایران به عنوان کد ژئوپلیتیک منطقه و چهار راه اصلی میان شرق و غرب امروز نه تنها از طرح یک جاده- یک کمربند چین کنار گذاشته شده، بلکه در مسیرهای ترانزیتی هم عملاً مزیت

ژئوپلیتیکی ایران از دست رفته و کشور را از ده ها میلیارد دلار درآمد سالانه محروم کرده است. به عنوان نمونه؛ در توافق اخیر که در نشست گروه ۲۰ میان هند و عربستان صورت گرفته، مسیر دریایی-ریلی طولانی تر به جای انتخاب مسیر بندر امام به جلفا در نظر گرفته شده است. حال آنکه در چند سال قبل و همزمان با انعقاد قرارداد برجام نه تنها هندی ها با ایران توافق استراتژیک چابهار را به امضاء رساندند، بلکه قرار بود شرکت ایتالیایی ITALSTRADE (به عنوان بزرگترین شرکت ساخت آزادراهی اروپا) نیز با سرمایه ای بالغ بر ۴ میلیارد یورو، پروژه موصلاتی بندر امام به جلفا را که مسیر ترانزیتی به مراتب نزدیک تر از توافق اخیر هند و عربستان است، در دستور کار داشته باشد.

با این حال، خروج یکجانبه آمریکا از برجام و نیز عدم دستیابی به یک توافق جدید در طول سه سال گذشته باعث شد که نه تنها توافق راهبردی چابهار نادیده گرفته شود، بلکه مزیت مهم ترانزیتی ایران نیز در توافقات آتی بین المللی از دست برود. این در حالی است که شاهد هستیم همسایگان ایران مانند عربستان و امارات اکنون به صورت متوازن با شرق و غرب در حال مراوده بوده و نه تنها پیوند عمیق اقتصادی و سیاسی با چین دارند، بلکه از واگرایی های موجود در مناسبات جهانی نیز نهایت استفاده را به عمل آورده در طرح های جاه طلبانه ای مانند کریدور ریلی- دریایی جدید با هند و ایالات متحده آمریکا جایگاه خود را تحمیل کرده اند. از این رو، نکته اصلی برای سیاست گذاران کشور این است که با توجه به مفهوم پویا و متغیر ژئوپلیتیک، تصورات سابق را که در خصوص این برگ برنده برای ایران وجود داشته است، مورد بازنگری جدی و اساسی قرار دهند.

علاوه بر این، با توجه به تغییر آرایش و سلسله مراتب در جهان و برآمدن قدرت های نوظهور، حفظ و بهره برداری از جایگاه ایران در انتقال قدرت جهانی منوط به برقراری روابط متوازن میان شرق و غرب است؛ امری که به واسطه تحریم علیه ایران، چنین توازنی را از بین برده و مهمترین ظرفیت استراتژیکی ایران در منطقه را دستخوش مخاطراتی جدی کرده است. در واقع از آنجا که ایران به طور طبیعی نقش گذرگاهی خود را در تغییر مناسبات جهانی دارد، قرار گرفتن در چنین موقعیتی همزمان با ایجاد فرصت های بی بدیل، می تواند در صورت عملکرد غیر متوازن به تهدیدهای بزرگ نیز بدل شود. چرا که اگر ایران در شرایط کنونی سیاست موازنه قوا میان قدرت های جهانی را نادیده بگیرد، قاعدتاً در مناقشات میان آنها نیز به صورت خواسته یا ناخواسته وارد شده و هزینه های آن را متحمل خواهد شد. حال آنکه در صورت اتخاذ یک سیاست خارجی متوازن و موازنه قوا نه تنها می توان با رفع تحریم ها آن هم به صورت کامل، ظرفیت استراتژیکی کشور را آزاد کرد، بلکه قادر خواهیم بود در این فرآیند گذار از فرصت هایی که همسایگان ایران یکی پس از دیگری در حال شکار آنها هستند، به صورت طبیعی و کاملاً کم هزینه تری بهره برداری کنیم؛ امری که عدم توجه به آن با توجه به شرایط منطقه ای و جهانی نه تنها فشارهای

غرب علیه ایران را حفظ می کند، بلکه تهدیدات کوچک نیز قابلیت تبدیل شدن به تهدیدات بزرگ را برای کشور خواهند داشت.

به همین دلیل یکی دیگر از دستورکارهای مهم در نظام حکمرانی ایران باید توجه به این نکته باشد که با از دست رفتن دهه ۱۳۹۰، شاید سال های طولانی ایران بتواند به واسطه امکانات خود، به شرایط فعلی ادامه دهد، اما یافتن فرصت های از دست رفته جایگزین به طور قطع دشوار بوده و روز به روز نیز موضوع حیاتی تاب آوری اقتصادی کم رنگ تر خواهد شد. بنابراین یکی از نیازهای فوری اقتصادی ایران همزمان با رفع محدودیت های بین المللی مانند تحریم ها و آزاد شدن مراودات مالی و بانکی، ایجاد دورنما و افق میان مدت و بلندمدت برای فعالان اقتصادی و تولیدی کشور است که این مهم نیز بدون تغییر جهت در سیاست خارجی کشور به عنوان یکی از مولفه های اصلی افق گشایی، محقق نخواهد شد.